

بررسی و مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی مجرمان با افراد عادی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۳۰

از صفحه ۷۵ تا ۹۰

احمد سوری^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی در مجرمان و افراد عادی انجام پذیرفته است. جامعه اول آن شامل مجرمان مختلف و جامعه دوم آن افراد عادی شهر تهران هستند که نمونه جامعه اول شامل ۱۶۹ نفر به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس و نمونه جامعه دوم شامل ۱۸۴ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده و هوش هیجانی آنان از طریق پرسش‌نامه سیبیر یا شرینگ مورد اندازه‌گیری و مقایسه قرار گرفت. بنابراین تحقیق حاضر از نظر ماهیت جزء تحقیقات پس‌رویدادی یا علی - مقایسه‌ای است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: اولاً، در بعد هوش هیجانی افراد عادی دارای میانگین (۱۱۳/۴۱) و مجرمان دارای میانگین (۱۰۱/۲) بوده که نتایج آزمون T مستقل و سطح معناداری به دست آمده یعنی $\text{sig} = 0/000$ حاکی از تفاوت معناداری هوش هیجانی افراد عادی و مجرمان است. ثانیاً، در مؤلفه‌های پنجگانه هوش هیجانی یعنی در مهارت‌های خودآگاهی، خودکنترلی و مهارت اجتماعی، خوداندگیری و همدلی نیز افراد عادی میانگین بالاتری از مجرمان داشته و این تفاوت معنادار است به طوری که می‌توان گفت افراد عادی دارای هوش هیجانی (خودآگاهی، خودکنترلی و مهارت اجتماعی، خوداندگیری و همدلی) بالاتری از مجرمان می‌باشند.

کلیدواژه‌ها

هوش، هوش هیجانی، مجرمان، هوش مجرمان، شخصیت مجرمان، مجرمان، افراد عادی

۱. استادیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علوم انتظامی امین، Ahmad-s25644@yahoo.com

مقدمه

در روان‌شناسی و به ویژه روان‌شناسی جرم، علاقه به وضعیت‌های هیجانی و عاطفی همواره در حال افزایش بوده است. به طوری که برخی تحقیقات به مطالعه این موضوع و به اصطلاح علمی هوش هیجانی^۱ پرداخته‌اند با اینکه توجه به موضوع عواطف و هیجانات دارای قدمت طولانی است اما به صورت گسترده موضوع هوش هیجانی با مطالعات گاردنر^۲ و استرنبرگ^۳ مورد توجه قرار گرفته است.

بر حسب نظریه گاردنر دو توانایی یعنی هوش بین فردی و درون فردی، روابط اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هوش بین فردی توانایی روابط اجتماعی و درون فردی توانایی مربوط به کنترل احساسات و هیجانات است. در نظریه استرنبرگ نیز هوش هیجانی با عنوان هوش موقعیتی یعنی توانایی عملکرد در موقعیت‌های اجتماعی عنوان شده است (به نقل از بار-ان^۴، ۱۹۹۷).

هوش هیجانی به توانایی فهم هیجانات فرد و سپس تعمیم آنها به فهم هیجانات دیگران و رشد همدلی اشاره دارد (هامپسون^۵، ۲۰۱۲). هوش هیجانی در زندگی آثار بسیار زیادی را به دنبال دارد به طوری که این ظرفیت موجب انعطاف پذیری، توانایی حل مشکلات و مقابله مؤثر با استرس‌ها و تکانه‌ها می‌شود (گلمن، ۱۹۹۹). سطوح بالایی این توانایی با نشاط، سلامتی، بهزیستی، عملکرد تحصیلی و شغلی خوب و سازگاری با تغییرات (کولتر^۶ و همکاران، ۲۰۰۷ به نقل از ماسکت و سورنسن^۷، ۲۰۱۲) و سطوح پایین آن با انواع بیماری‌های روانی شامل افسردگی، اختلال شخصیت و غیره همراه است (گریول^۸ و سالوی، ۲۰۰۶، به نقل از ماسکت و سورنسن، ۲۰۱۲).

-
1. Emotional intelligence
 2. Gardner
 3. Stenberg
 4. Bar-on
 5. Hampson
 6. Qualter et al
 7. Moskat and Sorensen
 8. Grewal

پژوهش‌های بسیار گسترده‌ای رابطه هوش هیجانی را با متغیرهای دیگری نظیر؛ سلامت جسم و روان، رفتار سازگارانه و ناسازگارانه، پیشرفت تحصیلی و شغلی را نشان داده‌اند، به طوری که نیلسون و لاو^۱ (۲۰۰۳) هوش هیجانی را نقطه تلاقی توانایی‌ها و مهارت‌های پیشرفته در شناخت دقیق خود و نقاط قوت و ضعف شخصی با ایجاد تداوم روابط سالم، کار مفید و ثمربخش با سایر افراد و برخورد مؤثر با استرس در زندگی می‌دانند. از طرفی باید گفت هوش هیجانی یک دسته از توانایی‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارهای محیطی افزایش می‌دهد.

درباره رابطه هوش هیجانی با بروز جرایم نیز تحقیقاتی انجام شده است که در بسیاری از آنها به نقش هوش هیجانی در ارتکاب جرم اشاره دارند. برای مثال برخی مطالعات نشان می‌دهند که مجرمان در بعضی ابعاد هوش هیجانی نظیر حل مسائل اجتماعی (مک گیور^۲، ۲۰۰۵)، همدلی (کریچ و بکر^۳، ۲۰۰۷)، شایستگی اجتماعی (برگرون و والینت^۴، ۲۰۰۱)، انعطاف‌پذیری (ساتکر و همکاران^۵، ۱۹۸۳)، کنترل تکانه (استرابر و همکاران^۶، ۲۰۰۸) خودتنظیمی (مارتین^۷، ۱۹۸۲)، بادیگران متفاوت بوده و هوش هیجانی با شخصیت مجرمان و تفکر جنایی (اگن^۸، ۲۰۰۰؛ گی یر^۹، ۲۰۰۵ و بالتن و همکاران، ۲۰۰۹) وابسته است (به نقل از مگ ریه^{۱۰}، ۲۰۱۳). مطالعات دیگر نشان می‌دهد هوش هیجانی با پرخاشگری و انواع جرم رابطه منفی و معناداری دارد (ماسکت و سورنسن، ۲۰۱۲). لذا بررسی هوش هیجانی در بین مجرمان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و می‌تواند در حوزه روان‌شناسی به ویژه روان‌شناسی جرم و تشخیص شخصیت مجرم و ارائه راهکارهای اصلاحی راهگشا باشد. علاوه بر آن نتایج

-
1. Nelson and Low
 2. Mc Guire
 3. Kirsch and Becker
 4. Bergeron and Valliant
 5. Sutker and et al
 6. Struber and et al
 7. Martin
 8. Egan and et al
 9. Geyer
 10. Megreya

چنین بررسی‌هایی می‌تواند برای برنامه‌ریزان پیشگیری از جرم و مداخله مفید واقع شود. با این حال در زمین نقش و تأثیر هوش هیجانی در پیشگیری از بروز جرایم، رابطه آن با جرم و تفاوت میزان آن برحسب جرایم نیاز به مطالعات علمی بیشتری دارد. کما اینکه در کشور ما تحقیقات در این زمینه اندک است. بنابراین مسئله اساسی این است که آیا بین مجرمان و افراد عادی در زمینه هوش هیجانی و ابعاد آن تفاوت معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

بررسی کلارنس و شرما^۱ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی و استفاده از الکل و مواد مخدر رابطه وجود دارد. آنان مطرح می‌کنند هوش هیجانی با توانایی‌های سازگاری با استرس‌های زندگی، عملکرد موفقیت آمیز، رهبری در محیط کار، پیشرفت تحصیلی، تعامل مؤثر، جرأت ورزی، روابط مثبت و سازگاری مؤثر مرتبط است.

هیس و ریلی (۲۰۰۷) در بررسی خود روی سه گروه مجرم، بیمار روانی و کنترل با فراوانی ۵۵، ۲۰ و ۳۰ نفر دریافتند که میانگین کلی هوش هیجانی در گروه کنترل (۹۷/۳۳) بیشتر از دو گروه دیگر بوده است. میانگین هوش هیجانی بیماران روانی (۸۵/۱۵) از گروه مجرم (۸۷/۷۰) کمتر بوده ولی در کل این تفاوت معنادار نبوده است و تفاوت‌های معناداری در زمینه ابعاد هوش هیجانی بین گروه‌های مختلف دیده شد به طوری که می‌توان گفت گروه مجرم و بیماران روانی به طور معناداری میانگین هوش هیجانی پایین‌تری از گروه کنترل داشته‌اند، علاوه بر آن، در ابعاد انعطاف‌پذیری، مدیریت هیجانات و بیان هیجانات گروه مجرم و بیماران روانی به طور معناداری پایین‌تر از گروه کنترل بوده و در درک هیجانات گروه مجرم به طور معناداری از گروه کنترل پایین‌تر ولی تفاوتی بین بیماران و گروه کنترل مشاهده نشد.

در پژوهش‌های داخلی نیز هوش هیجانی در مجرمان مورد کنکاش قرار گرفته است. به طوری که صابری و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی ۲۸۱ نفر مجرم در زندان

1. Clares and Sharma

مرکزی استان یزد نشان دادند که افراد مرتکب جرم رابطه نامشروع در بین سایر مجرمان دارای نمره هوش هیجانی پایین بوده و مجرمان چک دارای بیشترین نمره هوش هیجانی و مجرمان با جرایم دیه، سرقت، مواد مخدر، نزاع و کلاهبرداری و سایر جرایم از نظر نمره هوش هیجانی در حد فاصل این دو گروه قرار گرفته‌اند.

علاوه بر آن، رضوی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی در زندان مرکزی شهر شیراز نشان دادند که بین هوش هیجانی برخی مجرمان براساس نوع جرم ارتكابی تفاوت معناداری وجود دارد ولی هوش هیجانی سارقان و جرایم مربوط به مواد مخدر با سایر مجرمان تفاوت معناداری وجود ندارد. در پژوهش آنان میانگین هوش هیجانی برای جرایم تجاوز به عنف، مواد مخدر، سرقت، قتل، مالی، درگیری و آدم ربایی به ترتیب ۹۸/۲۲، ۱۱۰/۵۳، ۱۱۱/۲۳، ۱۱۶/۵۳، ۱۱۸/۹۳، ۱۲۰/۰۵ و ۱۲۱/۳۰ بوده است.

مبانی نظری تحقیق

بلاک و بلاک (۱۹۸۰) به نقل از سالوی، مایروکارسو (۲۰۰۲) ابعاد هوش هیجانی را اطمینان به خود، خوش بینی و تعادل هیجانی دانسته‌اند. آنها معتقد بودند که افراد دارای هوش هیجانی بالا از خود کنترلی و خودانگیزی بالایی برخوردار بوده و با خود و دیگران راحت هستند. گاردنر که نظریه پرداز هوش چندگانه است برخی ابعاد هوش را مربوط به هیجانات می‌داند که دو بعد آن یعنی هوش درون فردی و هوش بین فردی از آن جمله است (به نقل از واگنر^۱، ۲۰۱۱). اما در نظریه‌های جدید سه مدل اصلی از هوش هیجانی وجود دارد (کلامپر^۲، ۲۰۰۸).

مایر و سالوی به مدل توانایی هوش هیجانی اعتقاد دارند، به طوری که آنان هوش هیجانی را توانایی درک هیجان، انسجام هیجان برای تسهیل و روان سازی تفکر، فهم هیجان و تنظیم هیجان برای رشد شخصی می‌دانند (سالوی و گریول^۳، ۲۰۰۵).

براساس مدل صفت، هوش هیجانی یک مجموعه از ادراک هیجانی است که به سطوح

1 . Wagner

2 . Kluemper

3 . salovey an a Grewal

پایین تر شخصیت بر می‌گردد (پترید، پیتا و کوکیناکی^۱، ۲۰۰۷). در این رویکرد هوش هیجانی به ادراک فرد از توانایی‌های هیجانی خود تعریف شده است. مدل صفت مقابل مدل توانایی است که به توانمندی‌های واقعی اشاره دارد. به عبارت دیگر تفاوت این دو الگو تفاوت صفت هوش هیجانی است که هوش هیجانی را استعداد یا آمادگی رفتاری توصیف می‌کند و به خودکارآمدی هیجانی^۲ یعنی مجموعه ابزار و آمادگی‌ها و تمایلات رفتاری درباره توانایی فرد برای تشخیص، پردازش، بازشناسی و کاربرد اطلاعات هیجانی و ادراکی فرد اشاره دارد و مفهوم توانایی هوش هیجانی است به طوری که این تفاوت منجر به دو سازه متفاوت می‌شود. در الگوی صفت، هوش هیجانی از طریق خود گزارش‌دهی در الگوی توانایی هوش هیجانی از طریق آزمونی‌های عملکردی ارزیابی می‌شود (به نقل از سوری، ۱۳۹۲).

و بالاخره در مدل مختلط هوش هیجانی هم شامل توانایی فرد و هم شامل صفات و فرد نظیر، شخصیت و صفات انگیزشی است که در شخص دیده می‌شود (زیدنر، ماتیوس و روبرتز، ۲۰۰۹).

گلمن که هوش هیجانی را شناخت احساسات خویش و تصمیم‌گیری مناسب در زندگی می‌داند، اعتقاد دارد هوش هیجانی یکی از نیازهای انسان برای مقابله با مشکلات و مدیریت استرس است. وی چهار ساختار اصلی هوش هیجانی را معرفی می‌کند که شامل خودآگاهی (توانایی فهم هیجان‌ات شخصی و شناسایی تأثیر آنها در تصمیم‌گیری)، خودمدیریتی (توانایی کنترل هیجان‌ات و تکانه‌های خود و سازگاری با تغییر شرایط) آگاهی اجتماعی (توانایی درک، فهم و برخورد با هیجان‌ات دیگر افراد) و مدیریت روابط (توانایی، ترغیب، نفوذ و رشد دیگران و مدیریت تعارض) است.

بار-ان (۱۹۹۷) هوش هیجانی را به عنوان علاقه مندی به فهم مؤثر خود و دیگران، ارتباط مناسب با افراد و سازگاری با محیط و شرایط بلافصل محیطی و موفقیت در ارتباط با تقاضاهای محیطی می‌داند. وی (۲۰۰۷) اعتقاد داشت که هوش هیجانی از طریق آموزش، برنامه ریزی و درمان رشد می‌کند و افراد دارای هوش هیجانی بالا در

1 . Petrides, Pita and Kokkinaki

2 . Emotional Self-Efficacy

برخورد با تقاضاهای محیط و فشارها موفق تر بوده و نقصان در این مقوله با فقدان موفقیت و وجود مشکلات در سازگاری همراه است. این مشکلات در افراد فاقد هوش هیجانی شامل فقدان توانایی حل مسئله، استرس و کنترل تکانه است که در رابطه با مجرمان نیز مصداق دارد (مگ ریه، ۲۰۱۳).

بار-ان حوزه های هوشی هیجانی را در پنج مؤلفه طبقه بندی کرده است که پانزده عامل در آن مؤثرند (سبحانی نژاد، یوزباشی، ۱۳۸۷). این پنج مؤلفه اصلی شامل هوش هیجانی درون فردی (آگاهی، جرأت ورزی، خود تنظیمی، خودشکوفایی، استقلال) هوش هیجانی بین فردی (همدلی، مسئولیت پذیری، روابط بین فردی) توانایی سازگاری (مسئله گشایی، واقعیت سنجی، انعطاف پذیری، روابط بین فردی) توانایی سازگاری (مسئله گشایی، واقعیت سنجی، انعطاف پذیری) مدیریت استرس (توانایی عمل به استرس، کنترل یگانه) و خلق و خوی عمومی (شادکامی، خوش بینی) است.

هوش هیجانی و جرم: در زندگی امروزی عدم فهم احساسات دیگران، فقدان کنترل خود در موقعیت های چالش زا و شکست در مدیریت مثبت با دیگران منجر به استرس، ناشادی و اختلالات کلینیکی می شود (زیدنر، ماتیوس و روبرتز، ۲۰۰۹). علاوه بر آن فقدان کنترل ممکن است منجر به رفتارهای انحرافی، نظیر سوء استفاده از دیگران و جرم شود. سطوح هوش هیجانی پایین با برخی از انواع بیماری های روانی شامل افسردگی، اختلال شخصیت مرزی^۱ همبسته است (گراول و سالوی، ۲۰۰۶ به نقل از ماسکت و سورنسن، ۲۰۱۲) از طرفی باید گفت این اختلالات با رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه رابطه دارند به طوری که می توان گفت افسردگی با جرم و جنایت ارتباط دارد (جونز^۲، ۲۰۰۵). علاوه بر آن، اختلالات شخصیتی نظیر، اختلال شخصیت ضداجتماعی و مرزی با علایم مشکلات ارتباط بین فردی که نقش مهمی در رشد خشونت دارند مشخص می شوند (جانسون و دیگران^۳، ۲۰۰۰). اختلال شخصیت ضداجتماعی که با یک الگوی کلی از بی توجهی و نقض حقوق دیگران

1 . Borderline Personality disorder

2 . Jones

3 . Johnson and et al

مشخص می‌شود (کومر^۱، ۲۰۰۴) نزدیک‌ترین ارتباط با رفتار جنایی بزرگسالان دارد به طوری که برخی مطالعات نشان می‌دهند که ۴۷ درصد زندانیان به این اختلال دچار هستند (منستر و بیننفلد^۲، ۲۰۱۲).

برخی از محققان ثابت کرده‌اند که مجرمان، نواقص و کمبودهای شناختی دارند که این کمبودها بر روی توانایی آنها در تنظیم رفتارشان تأثیر می‌گذارد. شواهدی وجود دارد که خشن‌ترین و شدیدترین مجرمان و نیز مجرمانی که مرتکب جرایم به طور مستمر می‌شوند دارای نقایص شناختی و رفتار خودتنظیمی هستند (جوهانسون، کر و اندرشید^۳، ۲۰۰۵، به نقل از سوری، ۱۳۹۲). علاوه بر آن، در طی دهه گذشته به طوری کلی در روان‌شناسی و به ویژه روان‌شناسی جرم، علاقه به وضعیت‌های هیجانی و عاطفی همواره در حال افزایش بوده است به طوری که نقش هیجانات در مجرمان خشونت‌آمیز و جنسی مورد بررسی قرار گرفته است. هیجانی که بیشتر در جرایم خشونت‌آمیز دیده می‌شود و اهمیت دارد عصبانیت است که مقدمه مهمی برای انواع جرایم خشن نظیر، قتل، خشونت، معاونت در جرم، سوء استفاده جسمی و جنسی است (کیبل و همکاران^۴، ۲۰۰۶).

دیدگاه کارشناسی این است که مجرمان دارای همدلی نبوده و حتی فقدان همدلی نقش مهمی در بروز تخلفات دارد. برای مثال جولایف^۵ و فارینگتون به تحلیل ۳۵ گزارش پرداختند که شامل بیش از ۵۰۰۰ نمونه بود. آنها به این نتیجه رسیدند که رابطه بسیار مهمی بین همدلی ضعیف و جرم وجود دارد به طوری که همدلی پایین با جرایم خشونت‌آمیز رابطه داشته است (به نقل از کیبل و همکاران، ۲۰۰۶).

برخی تحقیقات دیگر نشان می‌دهد بعد همدلی هوش هیجانی با رفتار مجرمانه و ضداجتماعی رابطه معکوس دارد (هامپسون، ۲۰۱۲). لذا هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای آینده مجرم است. مگ ریه (۲۰۱۳) نیز مطرح می‌کند تفکر جنایی با هوش هیجانی رابطه منفی قوی دارد، لذا بین هوش هیجانی و اختلالات روانی و

-
1. Comer
 2. Menaster and Bienenfeld
 3. Johanson, Kerr and Andershed
 4. Kebell and et al
 5. Jolliffe

رفتار ضداجتماعی رابطه منفی وجود دارد. وی همچنین به نقل از پاکر و همکاران^۱ (۲۰۰۹) مطرح می کند که ارتباط قوی بین تفکر جنایی بالا و سطوح پایین خودکنترلی وجود دارد و مجرمان ابعاد پایین سطوح انعطاف پذیری و میزان بالای تکانش گری دارند. همچنین آموزش مهارت هوش هیجانی منجر به کاهش سطوح خشم می شود (یلماز^۲، ۲۰۰۹، به نقل از ماسکت و سورنسن، ۲۰۱۲) زیدنر و ماتیوس و روبرتز (۲۰۰۹) نیز فقدان کنترل را در رفتارهای انحرافی همچون سوء استفاده و جرم مرتبط می دانند.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت جزء تحقیقات علی - مقایسه ای است، زیرا میزان بهره مندی از هوش هیجانی قبلاً حادث شده است و محقق صرفاً به دنبال توصیف و کشف این میزان برحسب طبقات مورد مطالعه در پژوهش است. جامعه اول تحقیق حاضر شامل مجرمان دستگیر شده به اتهام سرقت، ضرب و جرح و مرتبط با مواد هستند که در سال ۱۳۹۲ در شهر تهران دستگیر شده اند و جامعه دوم شامل افراد بزرگسالی است که در شهر تهران سکونت داشته و فاقد سابقه ارتکاب جرم می باشند. حجم نمونه از جامعه اول شامل ۱۶۹ نفر (۶۹ نفر سارق، ۳۷ نفر مجرم مرتبط با مواد و ۶۳ نفر مجرم خشن) بوده که به صورت نمونه در دسترس و نمونه جامعه دوم شامل ۱۸۴ نفر است که به صورت تصادفی خوشه ای در مناطق مختلف شهر تهران انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته اند. نمونه اول در یک مقطع زمانی خاص مورد مطالعه قرار گرفته اند که برابر همان تعداد افراد عادی به پرسش نامه پاسخ داده، اما در نهایت تعدادی از پرسش نامه های آنان برگردانده نشد.

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسش نامه هوش هیجانی سیبر یا شرینگ است. فرم اصلی این پرسش نامه دارای دو قسمت و ۷۰ سؤال است که به علت ناهمخوانی با فرهنگ ما از قسمت دوم که شامل ۳۳ سؤال است استفاده نشده است.

1 . Packer et al
2 . Yilmaz

در قسمت اول سؤال‌های مربوط به ابعاد هوش هیجانی است که نمره هر کدام از آنها جداگانه محاسبه می‌شود. این مؤلفه‌ها شامل خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی یا هوشیاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی است. لذا هر آزمودنی ۶ نمره جداگانه دریافت می‌کند که یک نمره کل و پنج نمره دیگر آن مربوط به هر کدام از مؤلفه‌های ذکر شده است.

پرسش‌نامه حاضر از نظر روایی صوری و محتوایی مورد تأیید قرار گرفته و جزء پرسش‌نامه‌های استاندارد شده است. همچنین پایایی پرسش‌نامه در تحقیقات مختلف به اثبات رسیده به طوری که پایایی کلی آزمون مطابق پژوهش منصور (۱۳۸۰) ۰/۸۴ برآورد شده است لذا پرسش‌نامه حاضر از پایایی کافی برخوردار است.

یافته های تحقیق

- بین هوش هیجانی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱: نتایج T-test برای مقایسه هوش هیجانی مجرمان با افراد عادی

ردیف	طبقات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	Sig
۱	مجرمان	۱۶۹	۱۰۱/۲	۱۲/۹۹	۳۵۱	-۹/۱۸	۰/۰۰۰
۲	عادی	۱۸۴	۱۱۳/۴۱	۱۱/۸۶			

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین هوش هیجانی دو گروه افراد مجرم و عادی تفاوت وجود دارد که با توجه به آزمون اجرا شده و سطح معناداری به دست آمده یعنی ($\text{sig} = 0/000$) می‌توان گفت این تفاوت معنادار بوده، بنابراین دو گروه در هوش هیجانی متفاوت هستند و فرضیه اول تأیید می‌شود.

- بین مهارت خودانگیزی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج T-test برای مقایسه مهارت خودانگیزی مجرمان با افراد عادی

ردیف	طبقات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	Sig
۱	مجرمان	۱۶۹	۲۰/۵۸	۳/۳۰	۳۵۱	-۲/۸۹	۰/۰۰۴
۲	عادی	۱۸۴	۲۱/۵۹	۳/۲۳			

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین بعد مهارت خودانگیزی دو گروه افراد مجرم و عادی تفاوت وجود دارد که با توجه به آزمون اجرا شده و سطح معناداری به دست آمده یعنی ($\text{sig} = 0/004$) می‌توان گفت این تفاوت معنادار است.

- بین مهارت خودآگاهی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج T-test برای مقایسه مهارت خودآگاهی مجرمان با افراد عادی

Sig	T	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	طبقات	ردیف
.۰/۰۰۰	-8/40	351	3/98	۲۱/86	169	مجرمان	۱
			۳/93	۲۵/41	184	عادی	۲

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین بعد مهارت خودآگاهی دو گروه افراد مجرم و عادی تفاوت معناداری وجود دارد لذا فرضیه سوم تحقیق نیز تأیید می‌شود.

- بین مهارت خودکنترلی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج T-test برای مقایسه مهارت خودکنترلی مجرمان با افراد عادی

Sig	T	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	طبقات	ردیف
.۰/۰۰۰	-۷/۱۵	۳۵۱	۳/۷۶	۱۹/۴۱	۱۶۹	مجرمان	۱
			۳/۲۱	۲۲/۰۶	۱۸۴	عادی	۲

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین بعد مهارت خودکنترلی دو گروه افراد مجرم و عادی تفاوت وجود دارد که با توجه به آزمون اجرا شده و سطح معناداری به دست آمده یعنی ($Sig=۰/۰۰۰$) می‌توان گفت این تفاوت معنادار بوده، بنابراین دو گروه در بعد خودکنترلی هوش هیجانی متفاوت هستند و فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

- بین مهارت همدلی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵: نتایج T-test برای مقایسه مهارت همدلی مجرمان با افراد عادی

Sig	T	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	طبقات	ردیف
0/003	-3/03	351	۳/19	۱۶/57	169	مجرمان	۱
			۲/۶۶	۱۷/51	184	عادی	۲

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین بعد مهارت همدلی دو گروه افراد مجرم و عادی تفاوت وجود دارد که با توجه به آزمون اجرا شده و سطح معناداری به دست آمده یعنی ($Sig=۰/۰۰۳$) می‌توان گفت این تفاوت معنادار بوده، بنابراین دو گروه در بعد مهارت همدلی هوش هیجانی متفاوت هستند و فرضیه پنجم تأیید می‌شود.

- بین مهارت اجتماعی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج T-test برای مقایسه مهارت اجتماعی مجرمان با افراد عادی

Sig	T	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	طبقات	ردیف
.۰۰۰۰	-۷/۸۷	۳۵۱	۲/۸۰	۱۲/۹۱	۱۶۹	مجرمان	۱
			۳/۳۷	۱۵/۵۲	۱۸۴	عادی	۲

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین بعد مهارت اجتماعی دو گروه افراد مجرم و عادی تفاوت وجود دارد که با توجه به آزمون اجرا شده و سطح معناداری به دست آمده یعنی (Sig=۰/۰۰۰) می‌توان گفت این تفاوت معنادار بوده بنابراین دو گروه در بعد مهارت اجتماعی هوش هیجانی متفاوت هستند و فرضیه ششم تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

مطالعه هوش هیجانی در مجرمان با اهداف متعدد و از آن جمله شناسایی وضعیت و آموزش نقصان‌های موجود در این زمینه حائز اهمیت فراوان است. لذا پژوهش حاضر با هدف اساسی مقایسه هوش هیجانی مجرمان و افراد عادی انجام گرفته است، تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه هوش هیجانی کلی بین افراد مجرم با افراد عادی تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که میانگین محاسبه شده برای افراد عادی (113/41) از میانگین به دست آمده برای مجرمان (101/2) بالاتر بوده و از نظر آماری معنادار است. مطالعه حاضر با بسیاری از تحقیقات انجام شده هم‌خوانی دارد. برای مثال با پژوهش‌های مایر و همکاران (۱۹۹۷) که نشان دادند هوش هیجانی با خشونت و آشفتگی رفتاری رابطه منفی داشته، رازل و کب من (۲۰۰۲) که بر نقش هوش هیجانی در مهار پرخاشگری تأکید داشته، مطالعات گسترده (اگن، ۲۰۰۰؛ گی، ۲۰۰۵؛ بالتن و همکاران، ۲۰۰۹) به نقل از مگ ریه (۲۰۱۳) و همچنین هیس و ریلی (۲۰۰۷) که دریافتند هوش هیجانی مجرمان از افراد عادی به طور معناداری پایین‌تر بوده کلارس و شرما (۲۰۱۰) که دریافتند هوش هیجانی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه معناداری دارد همسو است.

در زمینه مهارت خودآنگیزی می‌توان گفت مطابق تجزیه و تحلیل به عمل آمده بین گروه افراد عادی و مجرمان تفاوت وجود دارد. در بعد مهارت خودآگاهی که یکی از

ابعاد مهم هوش هیجانی است می توان گفت افراد عادی با مجرمان متفاوتند به طوری که تجزیه و تحلیل این بعد نشان می دهد که افراد عادی میانگین بالاتری از مجرمان دارند. خودآگاهی که به معنی شناخت نقاط ضعف و قوت شخصیتی است، می تواند نقش مهمی در پیشگیری از بیماری ها و مشکلات روانی و رفتاری داشته باشد و درک درست از خود می تواند موجب کنترل احساسات فرد شده تا به آسانی با چالش های زندگی برخورد کند.

یکی از ابعاد مهم هوش هیجانی خودکنترلی است که رابطه آن در تحقیقات مختلف با جرم و ارتکاب رفتار ضداجتماعی به اثبات رسیده است. تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که در این زمینه نیز این افراد عادی با گروه مجرمان تفاوت معناداری داشته اند. نتایج به دست آمده در زمینه خودکنترلی با مطالعات گذشته همخوانی دارد. برای مثال استرابر و همکاران (۲۰۰۸) به نقل از مگ ریه (۲۰۱۳) مطرح کردند مجرمان در بعد کنترل تکانه با افراد عادی متفاوت هستند. زیدنر، ماتیوس و روبرتز (۲۰۰۹) نشان دادند فقدان کنترل منجر به رفتارهای انحرافی و جرم می شود. جوهانسون، کروآندرشید (۲۰۰۵) به نقل از سوری (۱۳۹۲) مطرح کردند مجرمان دارای نقایص شناختی و رفتار خودتنظیمی هستند. پاکر و همکاران (۲۰۰۹) مطرح ساختند ارتباط بسیار قوی بین رفتار جنایی و سطوح پایین خودکنترلی داشته و مجرمان ابعاد پایین سطوح انعطاف پذیری و میزان بالای تکانشگری دارند و هیس و ریلی (۲۰۰۷) که نشان دادند مجرمان و بیماران روانی در مدیریت هیجانات از گروه عادی به طور معناداری پایین تر هستند. یلماز (۲۰۰۹) به نقل از ماسکت و سورنسن (۲۰۱۲) که نشان دادند آموزش هوش هیجانی منجر به کاهش سطوح خشم می شود. مقایسه بعد همدلی هوش هیجانی نشان می دهد که از این حیث در مطالعه حاضر میانگین گروه عادی از مجرمان بالاتر بوده و این تفاوت از نظر آماری معنادار است. نتایج مطالعه حاضر نیز با بسیاری از پژوهش های انجام شده هم خوانی دارد برای مثال هامپسون (۲۰۱۲) مطرح کرد بعد همدلی هوش هیجانی با رفتار مجرمانه و ضداجتماعی رابطه معکوس دارد.

جولایف و فارینگتون به نقل از کیبل و دیگران (۲۰۰۶) مطرح کردند بین همدلی ضعیف و جرم رابطه وجود دارد به طوری که همدلی پایین با جرایم خشونت آمیز

رابطه دارد. کریچ و بکر (۲۰۰۷) به نقل از مگ ریه (۲۰۱۳) بر نقش و تفاوت همدلی در بروز جرم و مجرمان تأکید دارند.

و بالاخره تجزیه و تحلیل بعد مهارت اجتماعی هوش هیجانی نشان می‌دهد از این بُعد گروه عادی با مجرمان متفاوت بوده و مجرمان دارای میانگین نمرات پایین تری هستند. مهارت اجتماعی موجب می‌شود افراد بتوانند رابطه مؤثری با دیگران داشته و با آنان هماهنگ و سازگار شوند که در مجرمان این مهارت ضعیف ارزیابی شده است.

پیشنهادها

- در آموزش مجرمان به هوش هیجانی توجه شود و برنامه‌های آموزش درازمدتی بر حسب انواع مجرمان در این زمینه طرح ریزی شود.
- محققان به بررسی تفاوت احتمالی در سایر مقوله‌ها از آن جمله هوش انتزاعی، مولفه‌ها و صفات شخصیتی، باورها و نگرش‌ها و غیره در دو گروه بپردازند.
- خودکنترلی یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در پیشگیری از ارتکاب جرایم است، لازم است به این موضوع توجه مضاعفی در پیشگیری و اصلاح جرم و مجرمان شود و با اجرای کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی در این زمینه اقدام شود.
- برای مجرمان خشن و مسببان جرایم علیه اشخاص مهارت همدلی آموزش داده شود.
- مهارت ارتباط مؤثر و خودآگاهی جزء برنامه‌های اصلاحی مجرمان قرار گیرد.
- محققان آتی به بررسی هوش هیجانی مجرمان خاص از حیث ماهیت جرم بپردازند در این زمینه جرایم قتل، خشونت‌های شدید، سرقت‌های مسلحانه، آدم ربایی و غیره می‌توانند مدنظر قرار گیرند.
- دوایر مشاوره و مددکاری برای ارتقای سطح مهارت‌های مختلف هوش هیجانی به ویژه خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی و روابط مؤثر مجرمان فعالیت کنند.
- آموزش‌های فراگیر در زمینه ابعاد هوش هیجانی توسط رسانه‌ها و سازمان‌های مختلف به منظور ارتقای سطح هوش هیجانی ارائه شود.
- تمرین‌های رفتاری و عملکردی در زمینه ابعاد مختلف هوش هیجانی برای مجرمان در نظر گرفته شود.

منابع

-رضوی، نظیری و قنبری (۱۳۹۰)، بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی براساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روان: نشریه مهندسی فرهنگی؛ سال ششم، شماره ۵۷ و ۵۸.

-سبحانی نژاد، مهدی. یوزباشی، علیرضا. (۱۳۸۷)، هوش هیجانی و مدیریت در سازمان، تهران: یسپرون.

-سوری احمد (۱۳۹۲). رفتار جنایی در بیماران روانی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

-صابری، سید مهدی و همکاران (۱۳۸۹). طبقه بندی آماری جرایم براساس هوش هیجانی در زندانیان زندان مرکزی استان یزد. مجله علمی پزشکی قانونی. دوره ۱۶: شماره ۴.

-منصوری، بهزاد. (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سیبر یا شرینگ برای دانشجویان تهران (پایان نامه). دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

-Bar – On. R. (1997). The emotion eqetient inventory a test of emotion intelligence. Toronto: multi-health system.

-Bar-On. R. (2006). The Bar-On model of emotional social intelligence. Psicothema. 18: 13-25.

-Claros, Edith and Sharma, Manoj. (2010) the relationship between emotional intelligence and Abuse of Aclohl, Marijuana and tobacco among college students. Massachusetts, college of pharmacy and health sciences.

-Comer, R.J. (2004). Abnormal psychology. New York. Worth publishers.

-Goleman, D. (1995). emotional intelligence what it can matter more then IQ. New York: Bantam books .

-Goleman. D. (1999). Working with emotional intelligence NewYork: Bantam books.

-Hampson, Kathy. (2012). the role of emotional intelligence in the criminal activity of young people involved with the leads youth offending service .university of leeds, school of law.

-Hayes J.M and Reilly. G.O. (2007). Emotional intlligence mental Health and Juvenile delinquency. University college Dublin. Juvenile mental health matters, cork, Ireland.

-Johnson, Jeffrey G. et al .(2000). Adolescent personality disorders associated with violence and criminal behavior during adolescence and early

- adulthood. The American Journal of psychiatry. Vol, 1517, No. 9.
- Jones, Caitlin M. (2005). Genetic and environmental influences of criminal behavior. Rochester institute of technology.
- Kebell, Mark R; Davies, Graham M; Hawells, Kevin and Stecey, Jocqueline. (2006). Practical psychology for forensic investigation and prosecution. England. Johnwilley and sonsltd.
- Kluemper. D. H. (2008). Trait emotional intelligence: the impact of core – self evaluation and social desirability personality and individual difference: 44 (6) pp 1402 – 1412.
- Mayar. J.D; Salovay, D. (1997). The intelligence of emotional. The intelligence of emotional . the intelligence :17.
- Megreya. A.M. (2013). Criminal thinking styles and emotional criminal behavior and mental health: 23, issue: 1 pp 56-71.
- Menaster. M; Bienenfeld. D. (2012). psychiatric disorders associated with criminal behavior. Emedicine, Medscape. Com.
- Moskat, Hannal J. and Sorensen, katylyn M .(2012). emotional intelligence and aggression predict juvenile offense.whitman college.
- Petrides. K. V; Pita. R and Kokkianki. F. (2007). The location of trait journal of psychology: 98,pp273-289.
- Salovey D and Grewel D. (2005). The science of emotional intelligence. Current directions in psychological science: V14-I:60.
- Wagner, Kendra Van. (2011). Granders Theory of multiple intelligence. <http://www.Psychology.About.Com>.
- Zeidner, M; Matthews, G and Roberts, R.D. (2009). what we know about emotional intelligence. Cambridge, Massachusetts. London. England.